امتیاز

سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۳۹۹
۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ ● ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱
شماره ۳۱۳۵ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

«زنان نامرئی» به کتابفروشی‌ها آمد

کتاب «زنان نامرئی؛ افشای سوگیری داده‌ها در دنیایی طراحی‌شده برای مردان» نوشته کرولاین کریادو-پرز به‌تازگی با ترجمه نرگس حسن‌لی توسط نشر برج منتشر و راهی بازار نشر شده است.

نویسنده این کتاب معتقد است دغدغه‌های متخص زنان که مردان به حساب نمی‌آورند، حوزه‌های بسیار متنوعی را در بر می‌گیرد ولی مدام در سه‌مضمون تکرار می‌شوند: بدن زنانه، مسئولیت مراقبتی بی‌مزد زنان و خشونت مذکر علیه زنان. او می‌گوید این‌مسائل چنان اهمیتی دارند که سروکله‌شان تقریبا در تمام بخش‌های زندگی زنان پیدا می‌شود و بر تجربیات‌شان از هر چیز، از حمل و نقل عمومی گرفته تا سیاست، در محل کار و در اتاق عمل تاثیر می‌گذارد.

کرولاین کریادو- پرز نویسنده این‌کتاب، روزنامه‌نگار، فعال مدنی و فمینیست بریتانیایی است که سال ۱۹۸۴ متولد شده و در رشته زبان و ادبیات انگلیسی از کالج کبل آکسفورد فارغ‌التحصیل شده است. او تاکنون جریان‌های اعتراضی مختلفی را راه انداخته که موفق‌ترین‌شان اعتراض به حذف چهره تنها زن از روی اسکناس‌های انگلستان بود. او به‌خاطر نوشتن کتاب «زنان نامرئی» در سال ۲۰۱۹ برنده جایزه کتاب علمی انجمن سلطنتی بریتانیا و جایزه کتاب تجاری سال فایننشال تایمز را دریافت کرد.

کریادو-پرز در این‌کتاب در پی این است که نادرستی این ادعای مرسوم که نابرابری جنسی تا حد زیادی از بین رفته نشان دهد. همچنین این‌که داده‌ها فقط جهان را توصیف نمی‌کنند بلکه به آن شکل هم می‌دهند. او به مشاغل و کارهای زیادی پرداخته که زنان در آن‌ها مشغول‌اند؛ از سیستم‌های برف‌روبی در کشورهای اروپایی و پلیسی تا معماری فضاها، از اطلاعاتی که در رسانه‌های دیجیتالی در گردش‌اند تا کتاب‌های درسی. سپس این‌مفهوم را پیش روی مخاطب می‌گذارد که داده‌ها چگونه بازتاب روشنی از شکاف‌های جنسیتی هستند.

امروز اطلاعات بیش از گذشته در کار شکل‌دادن به جهان است. جهان چگونه طراحی شده است؟ چگونه تغییر می‌کند؟ امروز در عصری که عصر اطلاعات می‌نامیم، نقش و اهمیت داده‌ها در شکل‌دادن به جهان بیش از پیش روشن و مشخص است. بنابراین، چنانچه بخواهیم از برابری و عدالت در ساخت و بازسازی جهان سخنی به میان آوریم، باید به شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها نگاه کنیم، کاری که کرولاین کریادو پرز در زنان نامرئی انجام داده است.

نویسنده شکاف جنسیتی را ناشی از شکاف اطلاعاتی تاریخی می‌داند. یعنی اطلاعات در جهان اکنون، همیشه بر پایه داده‌های تاریخی نیمی از جمعیت، یعنی مردان جمع‌آوری شده و می‌شود. او معتقد است علم پزشکی برپایه بدن مردانه شکل گرفته و به همین‌دلیل بسیاری از بیماری‌های زنانه ناشناخته باقی مانده‌اند. نتیجه‌گیری‌اش هم از این‌بحث، این است که وقتی اطلاعات بر اساس فرضیه‌هایی جمع‌آوری می‌شوند که ویژگی‌های جنسی نیمی از جمعیت را نادیده می‌گیرند، چگونه می‌توان به جهانی، جز جهان امروز رسید؟

این‌کتاب ۶ بخش کلی دارد که ۱۶ فصل را در بر گرفته‌اند. «زندگی روزمره»، «محل کار»، «طراحی»، «مراجعه به پزشک»، «زیست عمومی» و «وقتی اوضاع خراب می‌شود» عناوین ۶ بخش این‌کتاب هستند. «مگر می‌شود برف‌روبی هم جنسیت‌زده باشد؟» و «پیشابدان‌های خنثاجنسیت» دو فصلی هستند که در بخش اول کتاب آمده‌اند. در بخش دوم هم ۴ فصل «جمعه طولانی»، «افسانه شایسته‌سالاری»، «اثر هنری هیگینز» و «وقتی ارزشت از یک لنگه‌کفش کمتر است» درج شده‌اند. سومین بخش کتاب هم ۳ فصل را در بر می‌گیرد که به این‌ترتیب است: «فرضیه گاوآهن»، «یک اندازه برای مردان» و «دریایی از یاروه».

این‌کتاب با ۳۸۴ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۵۰ هزار تومان منتشر شده است.

در گفت و گو با رییس جراچ تهران مطرح شد؛

گرانی آثار هنری در روزگار کرونا و حواشی آغداشلو

علیرضا سمیع آذر در گفت و گویی با ایسنا درباره وضعیت کلی بازار هنر در روزگار کرونا، اظهار کرده است، بازار اولیه که شامل گالری‌هاست به شدت در این ایام دچار رکود شد و بازار ثانویه که شامل آثار گران و مهم است، با رشد چشم‌گیری همراه شد.

مشروح این مصاحبه به شرح زیر است:

_ فروش اثر آیدین آغداشلو در سیزدهمین دوره از حراج تهران پرسش‌های زیادی را مطرح کرد؛ به عنوان مثال اینکه شاید این فروش از پیش برنامه‌ریزی‌شده بود. به چه دلیل قانع کننده‌ای این ادعا را رد می‌کنید؟

به طور قطع و با صراحت می‌گویم که هیچ تبانی یا برنامه‌ریزی از پیش صورت گرفته‌ای برای افزایش قیمت اثر آقای آغداشلو وجود نداشت و فکر می‌کنم اصلاً نیازی هم به چنین کاری نبود؛ چراکه آثار آقای آغداشلو در حراج‌های قبلی همیشه فروش می‌رفته و جزو هنرمندانی بود که آثارش در حراج همیشه چند متقاضی داشت و معمولا بین قیمت کمینه و بیشینه به فروش می‌رسید. شاید هنرمندان جوان برای معرفی خود به مجموعه‌داران نیاز به حمایت داشته باشند، اما آیدین آغداشلو درست همانند پرویز تناولی، حسین زنده‌رودی و محمد احصائی نیاز به چنین کاری ندارد.

اگر فرض بگیریم برنامه‌ای از سوی حراج وجود داشت، آنگاه این پرسش مطرح می‌شود که چرا باید برآورد قیمت کمینه و بیشینه را تا این اندازه پایین در نظر می‌گرفتیم که قیمت افزایش‌یافته عجیب به نظر برسد؟ این افزایش ۱۰ برابری نه به نفع حراج و نه به نفع آقای آغداشلو بود.

الان وضعیت بازار آقای آغداشلو با نوعی بن‌بست مواجه شده است، چون دیگر نمی‌تواند اثری به قیمت ۱۲ میلیارد بفروشد و اگر کمتر بفروشند، آنگاه این قیمت زیر سوال می‌رود. منطقی نیست که ما نه برای ایشان، بلکه برای هر هنرمند دیگری به یک افزایش بیش از حد برسیم که ادامه دادن آن دشوار باشد. لذا تاکید می‌کنم هیچ برنامه‌ریزی قبلی نه از طرف ما و نه از طرف هنرمند وجود نداشت و اصلاً نیازی هم به چنین کاری نبود؛ چراکه به هر حال این اثر به صورت طبیعی فروش می‌رفت. در سالن، ۷ نفر برای خرید اثر دست بلند کردند و برای ما نیز قابل پیش‌بینی بود که این تعداد برای خرید اثر داوطلب شوند.

_ آیا پیش بینی می‌کردید که اثر یادشده تا این اندازه افزایش قیمت داشته باشد؟

به هیچ وجه؛ اگر شما قبل از برگزاری نمایشگاه حراج از من می‌پرسیدید، می‌گفتم این کار بین برآورد قیمت کمینه و بیشینه به فروش می‌رسد و اگر بعد از نمایشگاه حراج که اقبال بعضی از مجموعه‌داران را برای خرید این اثر دیدم، می‌پرسیدید، می‌گفتم به احتمال زیاد از رقم برآورد بیشینه (۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان) بالا می‌رود، فروش ۲ میلیاردی را محتمل و فروش ۳ میلیاردی را بعید می‌دانستم. اگر این اثر به قیمت ۲ میلیارد تومان به فروش می‌رسید، هم برای ما کافی بود و هم برای آقای آغداشلو. به هر حال حراج تصمیم داشت ۱۱۰ اثر را به فروش برساند و طبیعتاً نمی‌خواست با تمرکز بر روی یک اثر، کل جریان تحت شعاع قرار بگیرد.

_ به نظر خود شما علت این افزایش قیمت چشمگیر چه بود؟

همه چیز به علاقه بیش از حد دو مجموعه‌دار برمی گشت که می خواستند این اثر را حتماً به دست بیاورند و پای این تصمیم نیز ایستادند.

این اتفاق بارها در حراج‌های داخلی و خارجی رخ داده است که بعد از رقابت میان چند خریدار، دو نفر باقی ماندند و تا حد بی‌اندازه‌ای رقابت را ادامه دادند. در همین حراج تهران، بارها پیش‌آمده بود که اثری ۱۰ یا ۱۲ برابر قیمت برآورد شده خود به فروش برسد، اما چون قیمت نهایی ۵۰۰ یا ۳۰۰ میلیون تومان بوده، به چشم نیامده و تیتر خبری نمی‌شده است. این درحالی است که وقتی اثری از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان به ۱۲ میلیارد افزایش پیدا می‌کند و رکورد هنر ایران را می زند، تیتر خبر می‌شود. مجسمه پرسپولیس آقای تناولی نیز که در حراج آوریل ۲۰۰۷ به قیمت ۲.۸ میلیون تومان به فروش رسید با برآورد اولیه ۴۰۰ هزار دلار در حراج شرکت کرده بود. افزایش قیمت اثر آقای تناولی هم نتیجه رقابت میان دو نفر بود.

به صورت کلی بسیاری از رکوردهای مارکت هنر در دنیا که به قیمت‌های بالای ۱۰۰ میلیون دلار می‌رسند، به خاطر این است که بیش از نیمی از راه را دو نفر طی می‌کنند و اتفاقا آن دو نفر هم می‌دانند که قیمت اصلی این آثار این نیست، اما می‌خواهند آن کار را به هر قیمتی به دست بیاورند.

_ آیا حواشی ماه‌های اخیر، منجر به تردید برای حضور اثر آیدین آغداشلو در حراج تهران نشد؟

خیر. لازم به توضیح است که هیچ موضوعی مبنی بر ممنوع‌الکاری او یا اشکال در خرید و فروش آثارش نیز از سوی نهادهای رسمی و مراجع قضایی اعلام نشد. ضمن اینکه آثار ایشان همانند باقی آثار جهت حضور در سیزدهمین دوره حراج تهران از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز گرفت.

اگر اثر آقای آغداشلو در قیمتی که ما پیش‌بینی کرده بودیم به فروش می‌رسید، اصلاً کسی این سوال را مطرح نمی‌کرد. این افزایش قیمت باعث شد که برخی تصور کنند که واکنشی بوده است به اتهاماتی که علیه ایشان مطرح شده بود.

_ به طور کلی آیا افزایش یک‌باره قیمت یک هنرمند، می‌تواند در بازار هنر او تاثیرگذار باشد؟

اگر اثر یک هنرمند به یکباره افزایش پیدا کند، لزوما به معنای افزایش قیمت آثار آن هنرمند نیست، مگر اینکه این اتفاق بارها رخ دهد تا تبدیل به یک روند شود. مجموعه‌داران به یک روند نگاه می‌کنند و نه به جرقه‌ای که یک بار زده شده است. بارها پیش آمده که هنرمندی در حراج‌های داخلی و خارجی با افزایش قیمت یکباره همراه بوده است، اما در حراج‌های بعدی با قیمت‌های بسیار پایین‌تری به فروش رسیده است. برعکس این موضوع نیز پیش آمده است. اگر یک بار اثر هنرمندی به فروش نرسد، به این معنی نیست که قیمت آثار او به سرعت پایین خواهد آمد. به عنوان مثال در حراج قبلی یکی از آثار آقای احصایی به فروش نرسید، اما در حراج اخیر اثر ایشان ۵ میلیارد برآورد شد و نزدیک به شش میلیارد به فروش رسید. در واقع مارکت یک هنرمند شناخته شده نه با یک بار سقوط قیمت نزول پیدا می‌کند و نه با یک جهش، افزایش.

به نظرم آثار آیدین آغداشلو نیز همان جایگاهی که در مارکت هنر را داشت را حفظ می‌کند. به طور کلی پیشتازان بازار هنر ایران در حراج‌های خارجی هنرمندانی چون بهمن محصص، پرویز تناولی و منیر فرمانفرمائیان هستند. هنرمندان دیگری همچون سهراب سپهری و آیدین آغداشلو نیز بیشتر خریدار داخلی دارند و در بازارهای خارجی چندان طرفداری ندارند.

_ فکر می‌کنید در دنیای هنر، حواشی منفی چقدر می‌تواند به نفع هنرمند تمام شود؟

حواشی که پیرامون یک هنرمند به وجود می‌آید، اعتبار و حیثیت آن هنرمند را به چالش می‌کشد، اما ممکن است قیمت آن هنرمند را بالا ببرد، چراکه اثر هنری دارای هویتی مجزا از خالق آن است و افزایش قیمت نیز از قوانین و پارامترهای مجزایی تبعیت می‌کند. آبرو برای یک انسان و هنرمند مطرح است، اما برای یک اثر هنری بیشتر شهرت مطرح است.

وقتی هنرمندی تیتر رسانه‌ها می‌شود، این امر ناآخودگاه به شهرت آثار او کمک می‌کند. این موضوع در تاریخ هنر بسیار اتفاق افتاده است و می‌توان مثال‌های زیادی برای آن آورد. به طور کلی داستان‌هایی که در حواشی زندگی هنرمندان توسط رسانه‌ها مطرح می‌شود، در نهایت ممکن است که قیمت آثار آن هنرمندان را بالا ببرد.

اما درباره اینکه موضوع آقای آغداشلو نیز اینچنین بوده است، تردید دارم. بعید می‌دانم که این حواشی باعث شده باشد که مجموعه‌داران، بیشتر برای خرید اثر مصر شده باشند.

_ فکر می‌کنید حواشی‌پیش آمده تا چه اندازه آینده خود حراج تهران را تحت شعاع قرار می‌دهد؟

طرفین بازی یک حراج، افرادی هستند که آثار می‌دهند و کسانی که آن‌را می خرند. اگر مجموعه‌داران، هنرمندان و گالری‌داران تحت تاثیر حواشی قرار بگیرند، در آینده حراج تاثیر گذاشته می‌شود. من فکر نمی‌کنم که جامعه هنری و مجموعه‌داران به این حواشی توجهی چندانی داشته باشند.

_ فارغ از جامعه هنری، وجه عمومی و نظرات مردم برای شما اهمیتی ندارد؟

بسیار مهم است. به هرحال ما یک کار ملی انجام می دهیم و خودمان را یک شرکت تجاری که فقط کار خرید و فروش انجام می‌دهد، نمی‌دانیم؛ اگر این فکر را داشتیم تا این اندازه حراج را علنی نمی‌کردیم و آن‌را به طور خصوصی بدون حضور رسانه‌ها جلو می‌بردیم. ما قطعا نگاه فرهنگی داریم و بر اساس علاقه‌ای که به هنر و ایمانی که به توسعه فر هنگی کشور داریم، این کار را انجام می‌دهیم.

_ به نظر شما چرا در ایران به مقوله خرید و فروش آثار هنری به چشم پولشویی نگاه می‌شود؟ آیا این موضوع به عملکرد متولیان اقتصاد هنر در ایران بازمی‌گردد یا ریشه در فرهنگ عمومی جامعه دارد؟

باید این نکته را در نظر داشته باشید که بازار هنر در ایران بسیار جوان است. اگر گفته می‌شد فرشی به قیمت چند میلیارد تومان به فروش رسیده است، کسی چندان تعجب نمی‌کرد. چون فکر می‌کردیم حتما ارزش آن‌را داشته است یا اگر کسی مبلغ زیادی برای خرید اتومبیل یا خانه بپردازد، تعجب نمی‌کنیم؛ اما اگر درباره خرید یک اثر هنری یک دهم این قیمت‌ها نیز پرداخته شود، تعجب می‌کنیم! عده‌ای تصور می‌کنند اگر یک اثر هنری مورد توجه قرار بگیرد یا دروغ بوده یا داستانی پشت سر آن وجود دارد.

به طور کلی در جامعه نسبت به فروش آثار هنری یک نوع ناباوری وجود دارد. البته تصور می‌کنم هر مقدار که زمان جلوتر برود، این باور نیز در مردم شکل می‌گیرد. در غرب هم اینچنین بوده و با عادی شدن افزایش قیمت آثار هنری، هم‌اکنون خریداری آثار به قیمت بیش از ۱۰۰ میلیون دلار به امری رایج تبدیل شده است. تا قبل از دهه ۹۰، کل مارکت هنر در اختیار امپرسیونیست‌ها بود و همه فکر می‌کردند گرانترین هنرمندان افرادی همچون پل گوگن، ونگوگ و سزان هستند و هنرمند دیگری نمی‌تواند به قیمت آثار آنها برسد. این درحالی است که بعد از مدتی هنرمندان دیگری وارد بازار هنر شدند به غیر از امپرسیونیست‌ها که آثارشان با قیمت‌هایی بالای ۱۰۰ میلیون دلار به فروش رسیده است.

در این میان شبکه‌های اجتماعی هم به همه این فرصت را داده است که بدبینی‌ها و بدگمانی‌هایشان را تبدیل به اظهارنظرهای معترضانه کنند. این یک عادت کلی در سطح جهانی است که در برخی جوامع نمود بیشتری پیدا می‌کند.

_ پیشتر اشاره کرده بودید بازار هنر به سمت قیمت‌های معقول پیش می‌رود؛ با توجه به اینکه مجموع فروش حراج امسال دو برابر حراج‌های قبلی بوده است، آیا قیمت‌های این دوره بالاتر از مقدار واقعی، در نظر گرفته شده بودند؟

به طور کلی همیشه افزایش قیمت آثار هنری در جهان با یک پرش یا افزایش قیمت یک‌باره همراه است که این اتفاق در بازار داخلی کشور ما در سال‌های اخیر اتفاق نیفتاده بود. این نکته را هم در نظر داشته باشید که به دلیل شرایط کرونایی، حراج تیر ماه برگزار نشد و حراج بعدی با فاصله حدود یک سال از حراج قبلی برگزار شد. بنابراین این پرش خودش را در حراج این دوره نشان داد و قیمت‌ها به یکباره افزایش پیدا کردند.

در نظر داشته باشید که در مدت یک سال گذشته، ما با افزایش شدید قیمت ارز و سایر محصولات همراه بودیم و به طورکلی تمام محصولات با چند درصد افزایش قیمت همراه بودند و طبیعی بود که بازار هنر نیز خودش را با سایر افزایش قیمت‌ها همسنگ کند. با این وجود قیمت آثار هنری در حراج این دوره درصدی افزایش داشته است.

_ بنابراین می‌توان اینگونه گفت که فارغ از معقول بودن قیمت‌ها، صرفا تلاش می‌شود که قیمت آثار هنری به قیمت بین‌المللی آنها نزدیک شود؟

ما قیمت‌ها را بالا نمی‌بریم، اما گاه به صورت طبیعی این اتفاق می‌افتد. پیشتر نیز در دو مقطع زمانی قیمت آثار هنری با افزایش یک باره همراه و قیمت آثار در داخل کشور به قیمت‌های بین‌المللی نزدیک شد. این بار نیز با توجه به افزایش قیمت ارز، قیمت آثار هنری پایین آمده بود و طبیعی بود که باید با افزایش قیمت همراه می‌شدند.

برهمین اساس نیز تصمیم گرفته شد که در ایران نیز قیمت‌ها افزایش داشته باشند تا به قیمت‌های دلاری خود نزدیک‌تر شوند.

_ به صورت کلی ارزیابی شما از تاثیر کرونا در بازار هنر چیست؟ فکر نمی‌کنید شیوع ویروس کرونا در ظاهر به ضرر و در باطن به نفع بازار جهانی هنر بوده است؟

در سطح بین‌المللی، رکوردهای زیادی در یک سال اخیر زده شده است و آثار گران، گران‌تر شدند. به این دلیل که در بخش‌های دیگر رکود وجود دارد و بسیاری به سمت هنر آمدند. آثار هنری همیشه این مزیت را دارند که هم در شرایط رونق و هم در شرایط رکود افزایش قیمت دارند.

در واقع می‌توان گفت که بازار اولیه که شامل گالری‌هاست به شدت در این ایام دچار رکود شد و بازار ثانویه که شامل آثار گران و مهم است با رشد چشم‌گیری همراه شد.

_ با توجه شیوع ویروس کرونا، آیا خریدارهای حراج امسال کمتر شده بودند؟

خریدارها ثابت نیستند و تغییر می‌کنند. زمانی ما می‌توانیم نگران باشیم که یک تعداد محدود و مشخصی خریدار داشته باشیم، اما چون خریدار جدید داریم این پویایی وجود دارد. خریداران جدید و جوان برای ما و به طور کلی بازار هنر، خبر خوبی است.

_ آیا از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز خریداری داشته‌اید؟

فقط یک بار حدود سه سال پیش یک تابلو از کمال‌الملک و یک اثر از بهجت صدر برای موزه هنرهای معاصر تهران خریداری شد.

محذورات و مصلحت‌های جشنواره فیلم فجر و یک تصمیم عجیب

دوره چهارم جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۶۴ یکی از آن دوره‌هاست که اتفاقی نادر در اختتامیه‌اش رخ داده و هیات داوری در بخش بهترین فیلم بلند، به ۶ فیلم جایزه ویژه خود را داده است و از آنجا که هیچ اثری به تنهایی عنوان بهترین فیلم جشنواره را کسب نکرده، می‌توان حدس زد که اتفاقی در هیات داوران رخ داده است.

در این دوره از بین هفت داور، تنها یک داور تخصصی سینمایی حضور داشت و مانند بسیاری دیگر از دوره‌های ابتدایی جشنواره، باقی افراد سابقه مدیریتی و حتی سیاسی پررنگ‌تری داشتند. منوچهر محمدی - تهیه‌کننده باسابقه سینما - داوری است که فیلم‌های آن دوره را در کنار مجید بهمن‌پور، کمال حاج سیدجوادی، فرید حاج‌کریم‌خان، محمد خزاعی (سفیر سابق ایران در سازمان ملل)، جلال رفیع و مهدی فریدزاده به تماشا نشست و قضاوت کرد.

او درباره آنچه سبب شد در چهارمین دوره جشنواره فجر ۶ فیلم «اولی‌ها» از عباس کیارستمی، «بهار» ابوالفضل جلیلی، «جاده‌های سرد» مسعود جعفری جوزانی، «پدربزرگ» مجید قاری‌زاده، «خط پایان» محمدعلی طالبی و «اتوبوس» یدالله صمدی جایزه ویژه هیات داوران را بگیرند، از ماجرایی گفت که مانع شد تنها یک اثر به عنوان بهترین فیلم برگزیده شود.

وی تاکید می‌کند که اگرچه می‌شد با رأی‌گیری به یک انتخاب رسید اما شرایط به گونه‌ای پیش رفت که برای آسیب نرسیدن به جشنواره تصمیم دیگری گرفته شد.

محمدی تعریف می‌کند: در دوره‌های آغازین جشنواره فیلم فجر تصمیم مدیران سینمایی کشور در مورد چینش هیات داوران با این ملاحظه صورت می گرفت که از اشخاصی استفاده شود که علاوه بر داشتن سبقه فرهنگی، بیشتر موقعیت اداری و حقوقیِ رسمی و دولتی داشته باشند. در دوره چهارم جشنواره که منِ داور بودم استثنائا بزرگواری جزء هیات داوران بود که در جلسه نهایی رای‌گیریِ و تعیین کاندیداها به دلیل منش و رفتار خاصی که داشت عملاً اجازه نداد، روش معمول و طبق آیین‌نامه پیش برود.

او که ترجیح می‌دهد نامی از این فرد ذکر نکند، ادامه می‌دهد: آن جلسه تقریباً در شرایطی متشنج برگزار شد و این خطر وجود داشت که اگر بقیه داوران که به طور مرسوم تصمیم‌گیری کرده بودند، می‌خواستند روی نظر تخصصی خود پافشاری کنند وضعیت دیگری به وجود می‌آمد چون ایشان تهدید کرده بود از هیات داوری استعفا خواهد کرد. همه‌ی رایزنی‌ها و صحبت‌ها با ایشان انجام شد تا ما به یک جمع‌بندی متعارف و حرفه‌ای برسیم ولی متاسفانه ایشان نپذیرفتند و در نهایت با پادرمیانی دبیر و معاون وقت سینمایی ناچار شدیم آن تصمیم عجیب و غریب را در مورد بهترین فیلم جشنواره بگیریم.

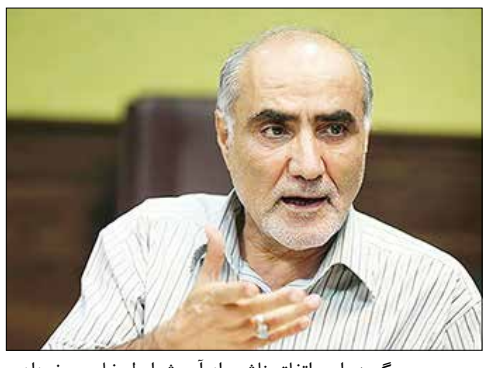

وی می‌گوید: این اتفاق ناشی از آن شرایط خاص رخ داد و اجتناب‌ناپذیر هم بود و به همین دلیل تصمیم داوران را باید در شرایط و زمانه خود تحلیل و ارزیابی کرد، ولی اگر دنبال ریشه و علت این اتفاق باشید، چنین سابقه تاریخی‌ای دارد.

محمدی در چند دوره دیگر جشنواره هم عضو هیات داوران بود ولی سال ۱۳۸۶ یعنی در دوره‌ای که جشنواره به دبیری مجید شاه‌حسینی و در زمان معاونت محمدرضا جعفری جلوه در سینما برگزار شد، آخرین حضورش را در هیات داوران گذراند و از آن پس دیگر در این کسوت دیده نشده که البته به نظر می‌رسد این هم بی‌دلیل نباشد.

یک فنجان چای داغ

تعیین تکلیف «نشان سرباز» تا ۲۲ بهمن

فراخوان مسابقه طراحی نشان سرباز همزمان با اولین سالگرد شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی از سوی مدیریت هنرهای تجسمی و امور موزه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران منتشر شد. در این فراخوان از طراحان و علاقه‌مندان هنر گرافیک و مقاومت خواسته شده است تا نشانی را بر اساس ویژگی‌ها و مفاهیمی خاص و مرتبط با مقاومت، ایثار و شجاعت طراحی کنند.

مسعود نجابتی، دبیرکل جشنواره هنر مقاومت و داور مسابقه طراحی نشان سرباز در این باره گفت: هنر مقاومت، هنر آزادگی و ذات رهایی است. رهایی از هر چه انسان را اسیر می‌کند و به بند می‌کشد. مقاومت در برابر هر گونه شرارت که آزادی انسان را سلب می‌کند و از این زاویه هنر مقاومت ازمهم‌ترین مصادیق هنر دینی است. آموزه‌های رهایی‌بخش ادیان توحیدی از قیود شیطانی و انسانی، فطرت پاک، وجدان فردی و شرایط اجتماعی، ذهن و قلمِ هنرمند را متاثر و در مقابله با کژی‌ها تحریک می‌کند. این گونه آثار هنری لزوماً نه بر اساس آموزه‌های آکادمیک و گونه‌های از پیش مشخص شده و متاثر از مکاتب هنری، بلکه از دل تجربیات لحظه به لحظه هنرمندانی درد آشنا که از زیستن در شرایطی طوفانی برمی‌آید شکل می‌گیرد. و در این جوشش و کوشش هنرمند سعی می‌کند به زبانی راحت و ساده دست یابد که به دور از هرگونه ابتذال و دور از نوآوری‌های افراطی و شهوت‌گونه بتواند به آسانی مفاهیم عمیق و پیچیده را انعکاس دهد تا برای گروه‌های مختلف قابل دریافت و درک باشد.

او ادامه داد: هنر مقاومت یک نیاز انسانی، حیاتی و اجتماعی است هم‌چون نیازهای ضروری دیگر، نه یک پدیده خصوصی، تفریحی، تشریفاتی و تزیینی. و این نیاز یا خودجوش است یا در قالب یک سفارش، سفارشی که موید اعتقاد و نگاه هنرمند است. هنر مقاومت هنری مرده نیست تا زینت دیوارهای موزه و منازل مجموعه‌داران باشد، هنر مقاومت زنده است و نفس می‌کشد و خواب را از چشم خیلی‌ها ربوده، وقتی سیاست‌مدران برای اغوای عامه دروغ می‌بافند. هنر مقاومت پوزخند می‌زند. زمانی که دشمن سلطه‌جو به بهانه‌های واهی به اعماق سرزمین‌ها چنگ می‌اندازد هنر مقاومت مرعوب نمی‌شود و به میدان می‌آید. گاهی هم که متاسفانه کار از کار می‌گذرد این هنر مرهمی می‌شود بر زخم‌های بشری و تسلایی بر رنج‌های آدمی و امیدبخش آینده‌ای روشن. نجابتی یادآور شد: زبان هنر مقاومت از خشونت عاری‌ست اما هماره برای بسیاری تلخ و گزنده است، چرا که به جای موافقت و مخالفت به تقلید، آگاهی می‌بخشد و بیدار می‌کند. از این رو مقاومت منتظر بخشنامه و ابلاغ و بودجه نمی‌ماند. جشنواره‌ها شاید فرصتی باشند برای ایجاد شور و انگیزه در خصوص موضوعات خاص و هموار کردن مسیر تولید و رفع موانع و مشکلات پیشِ رو برای رسیدن به آثار خلاق. هم‌چنین هنر مقاومت منحصر به گونه‌ای خاصِ از هنر نیست. هر کدام از گرایش‌های هنری با ابزارهای خاص خودش زمینه‌ای فراهم می‌کند که هنرمند بتواند فضای ذهنی خاص خود را بیافریند. در هنر مقاومت صحبت بر سر ارزش‌گذاری ابزارها و نشانه‌ها نیست که مثلا تصویر برتر از کلمه می‌تواند حس و درک ذهنی را منتقل کند. در واقع هنرمند اندیشه خود را با هر وسیله که در اختیار دارد و بدان تواناست متبلور می‌کند. آن‌چه ارزش است عمل به تکلیفی است که بر هر انسان آزاده فرض شده. هنرمند متناسب با میزان توانایی واقعی‌اش و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های بصری در نهایت صدایی است در میان صداهای دیگر و مسلما مخاطبان خود را می‌طلبد.»

فراخوان مسابقه طراحی نشان سرباز، ۱۳ دی منتشر شده است و علاقه‌مندان به هنر گرافیک می‌توانند تا ۲۲ بهمن آثار خود را به نشانی الکترونیکی neshanesarbaz@gmail.com ۱۳۹۹ارسال کنند یا با شماره تلفن‌های ۹۶۶۵۴۵۴۴- ۹۶۶۵۴۵۴۷ تماس بگیرید.

داوری دومین دوره مسابقه «شهری که من دوست دارم» تمام شد

دبیر کمیته پیگیری و نظارت شهر دوستدار کودک اعلام کرد آثار برتر دومین دوره مسابقه نقاشی «شهری که من دوست دارم» ضمن نمایش در یک نمایشگاه، امکان اجرا در سطح شهر را پیدا می‌کنند.

الهام فخاری دبیر کمیته پیگیری و نظارت شهر دوستدار کودک با اشاره به پایان مرحله داوری آثار ارسالی توسط کودکان و نوجوانان ۴ تا ۱۴ سال در دومین دوره مسابقه نقاشی «شهری که من دوست دارم» اظهار کرد: هدف از این مسابقه آشنایی جامعه شهری با آرزوها و نوع نگاه کودکان به شهرشان است. این عضو شورای شهر تهران با تاکید بر اینکه تجربه دوره قبل مسابقه نشان داد کودکان نگاهی دقیق، آگاهانه و منتقدانه به شهر دارند و به خوبی فرصت‌ها و تهدیدها را در شهر می‌شناسند، افزود: با اقداماتی که در این دوره از مدیریت شهری در حوزه شهر دوستدار کودک صورت گرفته است، شاهد همگرایی و تعامل بیشتر بین ارگان‌های ذیربط با موضوع کودکان هستیم که از آن جمله همکاری آموزش و پروش استان تهران و کانون پرورشی و فکری کودکان و نوجوانان در برگزاری این مسابقه است. دبیر کمیته پیگیری و نظارت شهر دوستدار کودک بیان کرد: این دوره مسابقه نقاشی «شهری که من دوست دارم» به دلیل همزمانی با شیوع کرونا و محدودیت‌های کودکان و نوجوانان در تعامل با مدرسه و دوستانشان و همینطور به دلیل محدودیت حضورشان در شهر، با عنوان «شهری که من دوست دارم از پشت پنجره خانه‌مان ببینم» برگزار شد و حدود ۱۴۸۵۰ اثر از طریق سایت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و سامانه شاد آموزش و پرورش برای دبیرخانه مسابقه ارسال شد.

به گفته وی، دوره نهایی داوری با حضور استادانی همچون ایرج طهماسب، جمال اکرمی، آتوسا صالحی، حدیثه قربان و محمدعلی بنی اسد در مورخ ۱۸ دی ماه به پایان رسید. رییس کمیته هنر شورای شهر تهران همچنین خبر داد: آثار منتخب این مسابقه یکم بهمن ماه در نمایشگاهی که به صورت حضوری برگزار می‌شود، به نمایش درمی آیند و همچنین مورد تجلیل مدیران شهری قرار خواهد گرفت.وی با اشاره به اینکه باید کودکان در شهر حضوری فعال و مؤثر داشته باشند زیرا ساختن شهرها و کشورمان به زودی به دست آن‌ها ممکن خواهد بود، خاطرنشان کرد: کودکان در این نقاشی‌ها، دریافت، پردازش و دلبستگی‌هایشان به شهر و آرزوها و خیال‌پردازی‌شان درباره آینده شهر را به تصویر کشیده‌اند. باید این نقاشی‌ها را به‌مثابه سندهای شهری و شهروندی بدانیم، از داده‌های آن‌ها بهره بگیریم و بازخوردهایمان به شهر، شهروندان و زندگی گروهی را دگرگون کنیم تا زمینه شکوفایی توانایی‌های کودکان و بهبود عادلانه زیرساخت‌های شهرمان فراهم شوند.

فخاری در پایان گفت: در پی این هستیم که آثار منتخب در دوره زمانی مناسب در چند مرحله در سطح شهر تهران اکران شوند.

گریزی از آنلاین بودن جشنواره‌ها نیست

سیدوحید حسینی نامی دبیر نشست نقد و بررسی‌های ایسفا در سی و هفتمین جشنواره فیلم کوتاه تهران درباره این نشست‌ها گفت: انجمن فیلم کوتاه ایران (ایسفا) هر ساله مجری برگزاری جلسات نقد و بررسی جشنواره فیلم کوتاه تهران است امسال هم طبق سنت هر ساله این اتفاق رخ داد اما تفاوتی در شکل برگزاری وجود داشت که این موضوع ناشی از شرایط موجود است، این جلسات به صورت آنلاین برگزار شد و برای آن پخش زنده داشتیم.

وی افزود: به نظرم تلاش زیادی برای این بخش شد چون سعی کردیم از منتقدان برجسته و سینماگران صاحب‌نام سینمای کوتاه از هر سه نسل دعوت کنیم. من فکر می‌کنم همین شکل برگزاری باعث شد ما به سمتی برویم که بحث‌ها کاربردی شود اینچنین نبود که ما خیلی بخواهیم فیلم را تحلیل کنیم چون نه وقت آن بود نه مکان درستی برای این موضوع بود. ضمن اینکه رسانه‌های مکتوب در مناسبت‌های دیگر این کار را انجام می‌دهند.

حسینی نامی اظهار کرد: از آنجایی که در این رویداد اغلب آثار اولین نمایش‌شان را تجربه می‌کردند، سعی کردیم بحث‌هایی را پیش بکشیم که مخاطبان علاقه‌مند به سینمای کوتاه از هر نقطه‌ای بتوانند از این جلسات بهره ببرند کمااینکه چند جلسه ما در حد یک ورکشاپ بود. ویژگی جلسات ما این بود که منتقدانی را دعوت کرده بودیم که تاکنون به جشنواره فیلم کوتاه تهران نیامده بودند، اولین بار بود با فیلم کوتاه ایرانی به شکل جشنواره‌ای مواجه می‌شدند. ما بعد از تماشای فیلم‌ها بلافاصله درباره آثار صحبت می‌کردیم. این موضوع هم برای ما و هم برای منتقدان و مخاطبان ج